

## نقد پارادایمی رویکرد سنتی به مسؤولیت اجتماعی زن مسلمان

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده

• [علی الهی خراسانی](#)

### چکیده

در نگاه به مسؤولیت اجتماعی زنان، پارادایمی در بخشی از حوزه علمیه وجود دارد که برداشت از آیات و روایات تلقی می‌شود. این پارادایم خرد سنتی با انگیزه‌ای ایمانی در برخورد با فرهنگ ضد اسلامی غربیان، در نگاه ابزاری آنان به زن، شکل گرفت و پاسخی به تلاش روشنفکران سکولار در حمایت از زن بود. پیش‌فرضهای این پارادایم عبارت است از: ناتوانی تکوینی زن، فساد افکنی رفتار زنان و تقلیل مسؤولیت زن به خانه داری. این پیش‌فرضها همواره مدنظر این گروه، در بررسی حضور اجتماعی زن مسلمان بوده است. پارادایم سنتی، ارتقا بخشی مسؤولیت زنان توسط انقلاب اسلامی را نادیده می‌گیرد و مسؤولیت زن را به حوزه خانواده تقلیل داده است. اما باید گفت زن می‌تواند با عبادت اجتماعی خود، به ایفای نقش اجتماعی و تمدنی خویش بپردازد. زن فرهیخته و دانشمند می‌تواند در ساحت مهم و تأثیرگذار «تصمیم‌سازی» حضور یابد و به رشد و پیشرفت جامعه کمک نماید. تحصیلات زنان در حوزه نیز باید معطوف به نقش اجتماعی و تمدنی زن مسلمان باشد.

### کلیدواژه‌ها

- [پارادایم سنتی](#)
- [زن مسلمان](#)
- [حضور اجتماعی زن](#)
- [مسؤولیت اجتماعی و تمدنی](#)

---

### [اصل مقاله](#)

مقدمه

در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، زنان در عرصه‌های مبارزه، تظاهرات، زندان و... حضوری نقش آفرین و اثرگذار داشتند؛ حضوری که با دقت سعی می‌شد موازین شرعی حضور، از جمله پوشش اسلامی و عدم اختلاط با مردان، رعایت گردد. نگاه امام خمینی به جایگاه زن، سبب شد نگاه ابزاری غربی به زن برداشته شود و زن در جایگاه خود قرار گیرد و بتواند بدون استفاده سیاسی، به صورت حقیقی در جامعه اسلامی ایفای نقش نماید.

اما در بخشی از نهاد حوزه علمیه، تا کنون، نگاه سنگین فقهی بر رفتار سیاسی و اجتماعی زنان سایه افکنده است و به باور نگارنده این بخش از حوزه علمیه - مانند دیگر عرصه‌ها نتوانست همسو و هم‌پایه نگاه انقلاب اسلامی و امام خمینی، به مسأله زن پردازد. در حقیقت، انقلاب اسلامی و منظومه معرفتی امام خمینی، نتوانست در نگاه این بخش از حوزه و دستگاه فقاقت، به حضور زنان، دگرگونی پدید آورد.

ناتوانی بخشی از حوزه علمیه در همسویی با انقلاب اسلامی در نگاه به حضور زنان در جامعه اسلامی، نتیجه مجموعه باورها، پیش‌فرضها و مبادی انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه است که می‌توان آن را یک «پارادایم/گفتمان» دانست که حاکم بر این بخش از حوزه است. پیش‌فرضهای شکل‌گیری این پارادایم، که تا کنون در حوزه علمیه جریان دارد، جداگانه بیان و بررسی می‌شود. این پیش‌فرضها، نسبت به مسؤولیت اجتماعی زن، می‌تواند اجزا و عناصر پارادایم سنتی حوزه به‌شمار رود. پیش‌فرضهای معرفتی، به مواردی اختصاص دارد که یک دلیل فقهی مشخص محسوب نمی‌شود؛ اما در ساخت پارادایم مخالف حضور اجتماعی زنان، بسیار سهیم است.

به این مهم باید اشاره نمود که مسؤولیت اجتماعی زن، شامل مدیریت فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، قبول مسؤولیت‌های اجرایی و سیاسی و فعالیتهای مدنی است. حضور اجتماعی در این نوشتار، برابر با قبول مسؤولیت‌های اجتماعی و داشتن نقش در ساحت «تصمیم‌سازی» جامعه است. از دید نگارنده، تدریس و یا طبابت زن، خارج از موضوع این نوشتار است.

ابتدا، مناسب به نظر می‌رسد به مفهوم «پارادایم» اشاره شود.

## مفهوم پارادایم

واژه پارادایم از دهه ۱۹۶۰ در فلسفه علوم طبیعی کاربرد یافت و به یک چارچوب نظری و فکری ناظر شد. این واژه امروزه در دیگر زمینه‌ها، به معنای «دیدگاه رایج و متداول در باب امری» به کار می‌رود.

برخی پژوهشگران علوم اسلامی، برای تولید دانش دینی از مدل پارادایمی بهره گرفته و «پارادایم اجتهادی دانش دینی» را مطرح کرده و به تبیین و توضیح آن پرداخته‌اند. تعریف ایشان از پارادایم عبارت است از:

«نظرگاهی حاصل از مجموعه‌ای از اصول و قواعد هستی‌شناسانه، روش‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه مستدل و عام بدیهی و نیز مبانی نظری، اصول موضوعه و عناصر کلانی که فعالیت علمی دانشمندان را با روشهای معینی در حوزه‌های علمی (و معرفتی) هدایت می‌کند؛ چارچوبی از مبانی نظری و عناصر کلانی که برای تحلیل، سنجش، کشف و اصلاح نظریه‌های علمی به کار می‌رود»<sup>۱</sup>

### مراد از پارادایم سنتی حوزه

در باره پارادایم سنتی حوزه باید گفت دانشمندان اسلامی در حوزه زنان، دارای نظریات علمی هستند که در حقیقت این نظریه‌ها در یک پارادایم شکل گرفته و تبیین و تفسیر شده است. به بیان دیگر، یک نظام فکری پدید آمده که در آن، پیش‌فرضهای اساسی و معرفتی و پرسشهای مهمی که باید پاسخ داده شوند، مورد توجه قرار می‌گیرند. این نظام فکری و معرفتی، از سوی شماری از عالمان و نظریه پردازان پذیرفته شده است و بر روشها و نظریه‌های علمی در حوزه زنان اثر گذار بوده است.

بنابراین، در بررسی دیدگاه‌ها در باره حضور زنان در جامعه، باید به تبیین و تفسیر حلقه مفقوده، یعنی پارادایم حاکم بر حوزه پرداخت. البته در برابر این پارادایم، نظرات و دیدگاه‌هایی در حوزه وجود دارد که مسئولیت اجتماعی و سیاسی زن را با توجه به ساختار جمهوری اسلامی و حرکت زن در جامعه اسلامی می‌پذیرد و در نگاه خویش، زن قبل از انقلاب را با زن پس از انقلاب اسلامی متفاوت می‌داند؛ از این روی، در این نوشتار، به «پارادایم سنتی حوزه» پرداخته شده که پارادایم بخشی از حوزویان و برخی در نهاد مرجعیت است.

### زمینه تاریخی و انگیزشی پارادایم سنتی: مقابله حوزه با نگاه غربی به زن

پیش از آن که به ترسیم پیش‌فرضهای پارادایم سنتی حوزه درباره زن بپردازیم، باید به زمینه تاریخی تشکیل این پارادایم اشاره کنیم. به نظر می‌رسد پارادایم روشنفکری سکولار در دوران مشروطه و پهلوی و نیز ادامه آن در جریان اصلاح طلبی دین‌دار، در دوره کنونی درباره زنان و حمایت از آنان، با پوشش ضد باورهای فقیهان و گاه ضد اسلامی و غرب‌اندیشانه، سبب رویکردی تهاجمی در حوزه‌های علمیه شد و سبب

شکل‌گیری پارادایمی سخت و محکم در این نهاد گردید. این پارادایم سنتی، دغدغه خود را پاسداشت از امر «حجیت» و استناد به دین در پرداخت علمی و فقهی به زن و نگاهبان میراث هزار ساله حوزه در این امر می‌بیند. آنچه دغدغه بزرگان حوزه و نیز عموم حوزویان است، مقابله با سخنانی است که از منطق استناد به دین به دور است و در چهارچوبه مسائل حجت که در اصول فقه بحث می‌شود نمی‌گنجد؛ مانند مصلحت‌گرایی عرفی یا قیاسهای عقلی بر اساس باورهای جهان مدرن غربی.

در نگاه حوزه، ترویج سبک رفتاری و پنداری غرب به زن و نگاه ابزاری و مانکنی به وی، به شدت تقبیح و ناسازگار با فرهنگ اسلامی قلمداد شد و همواره برای حضور زن مسلمان در جامعه، این دغدغه ذهن حوزویان را مشغول می‌کرد که این حضور اجتماعی، بستری برای حضور غربی و مانکنی زن در جامعه نگردد. بنابراین، در شکل‌گیری این پارادایم، جدای از پیش‌فرضهای معرفتی و انسان‌شناسانه، دغدغه روانی با تعصبی دین‌مدارانه، حضوری پررنگ دارد. می‌توان گفت شکل‌گیری چنین نظام فکری و پارادایمی در حوزه، واکنش طبیعی حوزه به ترویج سبک زندگی غربی، توسط روشنفکران ایرانی است. ترس از شرایط بی‌بند و باری دوران پهلوی، همواره فضای سنتی حوزه را به جلوگیری از حضور اجتماعی زن سوق داده است.

در دوره اصلاحات نیز، که جریان روشنفکری دینی و سکولار به ترویج آموزه‌های خود در نشریات می‌پرداخت، موج فیمینیستی با ظاهری اسلامی شکل گرفت. این جریان، سعی داشت با توجیه آموزه‌های دینی و تاریخ‌مند دانستن احکام حقوقی و کیفری، که ظاهری تبعیض‌آمیز بین مردان و زنان داشت، از جایگاه زن ایرانی دفاع نماید. اما این دفاع همه‌جانبه، با رویکردی روشنفکرانه و فیمینیستی همراه بود که لازمه آن، تعطیلی فقه در حوزه زنان و مرجعیت مطلق عرف کارشناسی و نیز نفی هرگونه خوانش روحانیت از زن در متون اسلامی می‌شد. با شدت گرفتن چنین موجی، که با تبلیغات و شعارهای وسیع همراه شد، موج شدیدی از اعتراضها و رویاروییها در حوزه شکل گرفت و به تقویت پارادایم سنتی حوزه کمک شایانی کرد و این بخش از حوزه، بر پارادایم سنتی خویش در نگاه به زن پافشاری بیش‌تری نمود.

بدین ترتیب، در تشکیل این پارادایم علاوه بر زمینه‌ای تاریخی، وجود فرهنگ غربی در جامعه ایرانی، سوء استفاده از زن برای پیشبرد اهداف سیاسی و ترس دینی از حضور زن در فضای آلوده و آکنده از هیجان جنسی، وجود پارادایم سنتی را پابرجا می‌دارد و آن را قابل دفاع و توجیه می‌نماید.

این نیز روشن است که وقتی پارادایمی رنگ قداست و دینی به خود گرفت، خدشه و تزلزل آن، حتی توسط حوزویان، نه روشنفکران، حرکتی ضد دینی عنوان می‌شود. مقصود آن‌که، تصحیح و یا تغییر در اجزا و عناصر این پارادایم در نگاه به زن، نیاز به گفت‌وگوهای عالمانه دارد و گرنه موجهای تبلیغاتی و سیاسی با

شعار دفاع از زن، تنها به سخت و محکم شدن این پارادایم سنتی می‌انجامد. همچنان که اکنون در فضای علمی حوزه، شاهد انتشار کتابها و مقاله‌های بسیاری هستیم که می‌کوشد تا الگوی فعالیت اجتماعی زن مسلمان را ترسیم کند و آن را به گفتمانی پذیرفته و رایج درآورد.

### پیش‌فرضهای پارادایم بخش سنتی حوزه

پیش‌فرضها به ترتیب ذکر شده و تنها برای نمونه، به پاره‌ای از دیدگاه‌های شماری از عالمان دینی اشاره می‌شود. باید توجه داشت ذکر این سخنان، تنها تصریحاتی نسبت به این پیش‌فرضهاست و نباید به عنوان دلیل به آنها نگریست. در آخر به بررسی کلی این پیش‌فرضها پرداخته می‌شود و مدل پارادایمی مطلوب حوزه پیشنهاد می‌گردد.

گفتنی است این نقل قولها می‌تواند ناظر به شرایط و نوع زیست زنان در دوران خود باشد و می‌توان آنها را بیانگر دیدگاه اسلام ندانست. با بیان این دیدگاه‌ها، که گاه از بزرگان علمی ذکر شده است، در صدد آن نیستیم که جنبه‌های دیگر تلاش و خدمات این بزرگان نادیده گرفته شود. تنها بدین منظور است که حتی شماری از فرهیختگان نیز در فضای پارادایم سنتی، دیدگاه‌هایی خاص درباره زن داشته‌اند که باید این پارادایم اقلیتی اصلاح و تغییر یابد.

### اول. تقلیل مسؤولیت زن به خانه داری

در فضای سنتی، آنچه برای زن مطلوب و شایسته است، حصر زن در خانه و اشتغال کامل او به شوهرداری و پرورش فرزندان است. به بیان دیگر، در هیچ دوره‌ای از زندگی زن، حتی در میان سالی که کار او در منزل بسیار کم شده، نباید حضور و مسؤولیت اجتماعی دیده شود. تمام وظیفه و مسؤولیت زن در دایره خانه می‌گردد و کسب هر دانش و معلوماتی نیز باید در راه پیشبرد خانه و اداره شایسته خانواده صرف شود و تنها راه کمال و رشد او خانه‌داری است.<sup>۲</sup>

«اگر زنی به جای شرکت در کارها و فنون و صنایع اجتماعی، بچه بزاید و بزرگ کند و تحویل اجتماع دهد، خدمات وجودی خود را در اعلاترین درجه، با ضریب تعداد فرزندان خود بالا برده است.»<sup>۳</sup>

«وظیفه مطلوب از زنان، حجاب و عفت و پرداختن به کارهای خانه است.»<sup>۴</sup>

## دوم. ناتوانی ذاتی و تکوینی زنان

در پارادایم سنتی، زن موجودی ضعیف و در خور ترخم و رسیدگی است. مسؤولیتهای اجتماعی و مهم، موجود کامل و قوی را می‌طلبد که از هوش و عقل و تواناییهای جسمی بیش‌تری بهره‌مند باشد که تنها در مردان دیده می‌شود. تکوین و ذات زنان به گونه‌ای است که ظرفیت کارهای اساسی و کلان را ندارند و تنها باید به اموری بپردازند که بار عاطفی و احساسی و یا زیبایی‌نمایی داشته باشد. استعداد ذاتی زن از شوهر داری و اداره خانواده فزونی نمی‌یابد.

ملاصدرا آفرینش زن را تنها برای ازدواج و همسرگزینی مردان می‌داند. حاج ملاهادی سبزواری این رأی را به ضعف عقلی زنان در ادراک جزئیات و سیرت غالب آنان به زیورهای دنیایی شرح کرده است.<sup>۵</sup>

البته چه بسا زنی که در دوران ملاصدرا، تنها به کار در خانه و فرزند داری مشغول بوده است، سبب شده در ذهنیت این عالم بزرگ ننگجد که این زن بتواند مسؤولیت اجتماعی را در جامعه قبول نماید.

بعضی برای زنی که مسؤولیت حضانت و نگهداری فرزند را می‌پذیرد، عدالت شرط ندانسته‌اند. به این دلیل که فسق بر زنان غالب است و عدالت در آنان کم یافت می‌شود!<sup>۶</sup> و یا این که مرد را به کمال و رشد سزاوارتر از زن دانسته‌اند!<sup>۷</sup> برخی آیه قوامیت<sup>۸</sup> را به معنای برتری استعدادهای ذاتی مرد بر زن تفسیر کرده‌اند.<sup>۹</sup>

## سوم. فسادافکنی مطلق رفتارهای زنان

در پارادایم سنتی، حضور زنان در جامعه موجب بی‌بند و باری و فساد خواهد شد. زن، حتی اگر با عفت و حیا باشد، موجب کندی کار مردان و خراب شدن ذهنیت سالم مردان می‌گردد. زنان، همواره باید در حضور از فضاهایی که مردان نیز بدان راه دارند، بپرهیزند؛ چراکه سخن گفتن و راه رفتن و حضور طولانی مدت زنان، برهم زدن آرامش روحی مردان را در پی دارد و به تدریج محیط به فساد آلوده خواهد شد؛ زیرا هرگونه رفتار و سخن زن با بار جنسی همراه است! از این رو، حضور اجتماعی زن حتی در صورت همراهی با شرایط و ضوابط اسلامی، نکوهیده است.

علامه حلی، برای حرمت نگاه به دست و صورت زن نامحرم، حتی بدون قصد ریبه چنین استدلال کرده است:

«نگاه به زن زمینه فتنه است. بنابراین زبینه است که شارع از آن جلو گیرد و مشکل را از ریشه درمان کند.

«۱۰»

از این نگاه:

«زن با شرکت در اجتماع و ارتباط زیاد با مردان، تباه و فاسد می‌شود و فساد زن، مملکت را فاسد و مردها را تباه می‌سازد. وقتی کارهای اجتماع را به دست زن بسپاریم، مرد را بی‌کار و کار را ناقص ساخته‌ایم.» ۱۱

### بررسی کلی پارادایم سنتی

وقتی با پیش‌فرضهای یاد شده، مجموعه معارف اسلامی بررسی شود، طبیعتاً نتیجه این می‌شود که هرگونه مسؤولیت اجرایی زن در جامعه ناسازگار با روح و مذاق شریعت است. در ذهنیت برخی، خانواده‌گرایی، ناتوانی ذاتی زن و فسادافکنی وی چنان رسوخ دارد که روایات گاه مرسل و بدون هیچ سندی برای گواه چنین ذهنیتی مورد قبول قطعی قرار می‌گیرد و به یک‌باره تمامی ضوابط و اصول سخت و محکم استنباط که در ابواب دیگر جاری و حاکم است، نادیده گرفته می‌شود.

البته اهتمام بسیار شارع مقدس بر حفظ بنیان خانواده و پاسداشت جایگاه تربیتی زن و نهاد خانواده به هیچ عنوان انکار شدنی نیست، اما به معنای نفی سایر فعالیت‌های اجتماعی سالم و سازنده زن مسلمان نیست.

نقد پارادایم سنتی، بر این مطلب مبتنی نیست که زن مسلمان به یک باره تمام وظایف و نقشهای خویش را در خانواده به فراموشی بسپارد و تنها خود را متعهد به انجام مسؤولیت‌های بیرونی بداند. نقد ما از این زاویه است که در پارادایم سنتی، پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی برای زن مشروع نیست. نقش زن را فقط و فقط در خانه‌داری می‌بیند که باید زن تمام استعدادهای خویش را صرف هر چه بهتر شوهرداری و خانه‌داری نماید. نگاه انتقادی به این پارادایم، آن است که ایجاد انحصار و محدودیت در نقش و جایگاه زن، محدود کننده او در حرکت ایمانی و پرستش خداوند است و در حقیقت زن را از عبادات اجتماعی باز می‌دارد.

در فضای پارادایم سنتی، عبادت اجتماعی برای زنان، معنی و مفهومی ندارد. رفتار مؤمنانه زن فقط به چارچوب خانواده محدود می‌شود و در حوزه گسترده‌تر از خانواده بستر عبادت اجتماعی و قرب به سوی

خداوند فراهم نیست. با این نگاه تک بعدی به زن، فرصتهای اجتماعی از او سلب می‌شود و از این رو، دین‌داری او نیز تنها در حوزه خانه و خانواده معنی پیدا می‌کند. پس، زن از راه «رفتار و کنش اجتماعی» نمی‌تواند به عبادت خدا پردازد و عبادت اجتماعی و حرکت‌های ایمانی در جامعه، فقط ویژه مردان است! این نگاه، دین‌داری عافیت‌طلبانه‌ای را در میان زنان مؤمن ترویج و نهادینه می‌سازد که گویی هیچ مسئولیتی در قبال جامعه و تمدن اسلامی ندارند.

امروزه شاهد هستیم که گروه‌هایی مانند «انجمن حجتیه» که بر عمل‌گرایی سنتی و مذهبی و بدون پذیرش حاکمیت ولایت فقیه تکیه دارند، با استناد به دیدگاه‌های درون‌پارادایم سنتی، زنان را با چنین روحیه مسئولیت‌گریزی پرورش می‌دهند.

حج نمونه‌ای است که زن مسلمان هم‌پای مرد در جهت قرب به خدا حضوری پر رنگ دارد و به پرستش اجتماعی می‌پردازد و ما از حج و الگوگیری از آن در حضور اجتماعی زن و پذیرش مسئولیت دینی غفلت کرده‌ایم. زن مسلمان می‌تواند در یک فضایی که مردان نیز حضور دارند؛ اما هدف آنان همگی قرب به خداست، به تلاش پردازد و سبب رشد و تعالی خود و جامعه گردد.

در برابر، کسانی که بر حفظ و نگاهبانی عفت و حیای زن تأکید می‌کنند و آن را مستلزم حبس نمودن زن در خانه می‌دانند، این پرسش جدی مطرح است که آیا اگر پسند، میل و زیبایی‌شناسی زن مسلمان، بر اساس ولایت کفر و امیال نفسانی و مادی تعریف گشته و مبتنی بر فرهنگ غیر دینی باشد، رفتارها و خودنماییهای این زن حتی در محیط‌های مذهبی و مجالس پر زرق و برق به ظاهر دینی، بی‌عفتی نیست؟ بسیار شگفت است که با این نگرش جمودانه، حضور زن مسلمان در مسئولیتهای اجتماعی با رعایت کامل ضوابط دینی، بی‌عفتی و بی‌حیایی و شرایط آخرالزمانی قلمداد می‌شود؛ اما خودآرایی افراطی و رقابت در تجمل و زینت زن، با صرف این‌که محصور در خانه است و هیچ حضور اجتماعی ندارد، کمال عفت و حیای دینی است! بنابراین، پارادایم سنتی تنها نگاهی سلبی به زن دارد و او را بدون یک برنامه کلان و جامعه‌نگر در معرض ولایت کفر و برنامه‌های پیچیده آن قرار می‌دهد.

ولی در نگاه انتقادی، زن مسلمان می‌تواند با مدیریت زمان و در عین رسیدگی به وظایف خانه و شوهرداری به عبادت اجتماعی نیز پردازد و بدین‌گونه به رشد و کمال بیش‌تر برسد. زنی که وقت خویش را به مکالمات تلفنی طولانی، که گاه، تمامی آنها بیهوده و بی‌ثمر است، اختصاص نمی‌دهد و یا به بازارگردی و گشت و گذار در خیابان نمی‌پردازد و خود را خلق شده برای مجالس مهمانی و خودنمایی نمی‌بیند، به راحتی می‌تواند با یک برنامه‌ریزی هدف‌مند، هوشمندانه به تمام وظایف خانه‌داری برسد و در عین حال، در بعد اجتماعی نیز ایفای نقش کند. این نکته را نیز باید در نظر داشت که امروز با وجود



تکنولوژیهای به خدمت گرفته شده در امور خانه، کار در خانه قابل مقایسه با گذشته نیست و وقت کمتری را از زن می‌گیرد.

پس این فرصت برای زن مسلمان فراهم است که در عین انجام وظایف خویش در خانه و تربیت فرزند، در مسؤلیتهای اجتماعی نقش آفرین باشد و با برنامه‌ریزی در جامعه حضور یابد و علاوه بر عبادت فردی، به حرکت ایمانی در بُعد عبادت اجتماعی بپردازد.

### حضور زنان در فرایند تصمیم‌سازی

به اجمال باید گفت: پارادایم سنتی مبتنی بر خانواده‌گرایی، فضای سنتی حوزه را از رویکرد اجتماعی و تمدنی به زن بازداشته است. در افقی بالاتر در نگاه به زن، بایستی شرایط حضور اثرگذارتر و جدی‌تر اجتماعی و تمدنی زن فراهم شود. زن مسلمان باید در فضای «تصمیم‌سازی» قرار گیرد که اهمیت بیش‌تری از «تصمیم‌گیری» و «اجرا» دارد. آنچه مایه تأسف است فراهم نشدن حضور زنان فرهیخته و باتجربه در فضای تصمیم‌سازی است. باید شاهد حضور جدی‌تر زنان اندیشمند در فرایند تصمیم‌سازی کشور و حتی جهان اسلام باشیم. برای مثال، اولویت فعالیت سیاسی زنان به قرار زیر می‌تواند باشد:

۱. تصمیم‌سازی سیاسی در جهان.

۲. تصمیم‌سازی سیاسی در جامعه.

۳. تصمیم‌سازی سیاسی در خانواده.

۴. تصمیم‌سازی فرهنگی در جهان.

۵. تصمیم‌سازی فرهنگی در جامعه.

۶. تصمیم‌سازی فرهنگی در خانواده.

آنچه مهم به‌نظر می‌رسد، حضور زن مسلمان و فرهیخته در فرایند تصمیم‌سازی است. نباید مسؤولیت دینی و تمدنی زن را تا آخر عمر وی به خانواده تقلیل داد. باید زمینه‌های مناسب برای حضور زنان عالم و فرهیخته در مجمع‌های عالی مشورتی و تصمیم‌سازی کشوری، چونان: شورای نگهبان، مجمع تشخیص

مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس خبرگان و... و نیز شوراهای عالی جهان اسلام مانند: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و... پدید آید.

برای دستیابی به این مهم باید توجه داشت که تحصیلات زنان در حوزه، معطوف به مسؤولیتهای اجتماعی و تمدنی وی باشد و برنامه‌های آموزشی، تنها بیانگر وظیفه خانوادگی زن مسلمان نباشد. در برنامه‌های رایج درسی در حوزه‌های علمیه خواهران، تنها بر اضافه نمودن محفوظات تکیه می‌شود و زن با ایمان در این مسیر تنها با انبوهی از اصطلاحات و قواعد علمی آگاهی یافته و آن را تنها در تدریس و یا تبلیغ به کار می‌بندد.

در پس تمام این برنامه‌ها، نگاه فردی و خُرد به دین و گاه پارادایم سنتی درازدهان زنان نهادینه می‌شود و هیچ‌گاه زن مسلمان در برابر رویکرد اجتماعی به دین و نگاه تمدن‌گرایانه که از بطن انقلاب اسلامی پدید آمده، رویارو نمی‌شود.

زنان در تحصیلات حوزوی خویش، باید به این بینش و افق برسند که مسؤولیتی علاوه بر امر خطیر خانواده پیش‌روی آنان است و نمی‌توانند استعدادها و بار علمی خویش را تا پایان عمر تنها صرف تبلیغهای خانگی و تدریس در مکاتب نمایند. خود را برای حضور جدی در فرایند تصمیم‌سازی اجتماعی مهیا سازند و دانش‌اندوزی را با هدف خدمت به جامعه اسلامی و ایفای مسؤولیتهای جهانی ارتقاء دهند. با این گونه نگرش و کنش ایمانی، می‌توانند الگوی مناسب برای زنان مسلمان در کشورهای اسلامی باشند.

آری زنان با ایمان و فرهیخته حوزوی، باید به‌گونه‌ای رفتار کنند که پذیرش مسؤولیتهای اجتماعی در جامعه اسلامی، یک عبادت محسوب شود و همگی خود را برای این امر خطیر، آماده سازند و به این مهم توجه نمایند که هرچه عرصه را از حضور خود بازدارند، در عمل، فضا برای حضور اثرگذار و عالمانه ایشان تنگ خواهد شد.

## نتیجه‌گیری

پارادایم سنتی، در نگاه تک بعدی به زن، با پیش‌فرضهایی مانند: نگاه جنسی به زن، ناتوانی تکوینی او و لزوم محصور بودن زن در خانه، سبب شده است تا مسؤولیت ایمانی - اجتماعی زن مسلمان تقلیل یابد. انقلاب اسلامی مسؤولیت‌پذیری زن را از نهاد خانواده به ساحت جامعه و تمدن ارتقا داد. اکنون بایسته

است حوزه‌های علمیه با ایجاد ظرفیتهای علمی درخور برای فراگیران، زمینه ورود و حضور زنان را در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اجتماعی، فراهم آورند.

## مراجع

### منابع

- رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، سید محمد حسین حسینی طهرانی، مشهد، موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام، ۱۴۲۹ق .
- رساله بدیعه، محمد حسین حسینی طهرانی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۱۱ق .
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف حلی، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق .
- الاسفار الاربعه، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تهران، بنیاد صدرا، ۱۳۸۰ .
- پارادایم اجتهاد دانش دینی «پاد»، مهدی علی‌پور، سیدحمیدرضا حسینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ .
- التنقیح فی شرح العروه الوثقی تقریرات خارج فقه آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، علی غروی، قم، لطفی، ۱۴۱۸ق .
- نواندیشی دینی و زن مسلمان، مهدی مهریزی، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۷ .
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م .
- پی نوشتها :
۱. پارادایم اجتهاد دانش دینی «پاد» مهدی علی‌پور، سیدحمیدرضا حسینی / ۲۵ .
  ۲. رساله نکاحیه یا کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، محمد حسین حسینی طهرانی / ۴۲ و ۴۶ .
  ۳. همان / ۴۶ .
  ۴. التنقیح فی شرح العروه الوثقی، تقریرات خارج فقه آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، علی غروی، ج ۱/۲۲۶ .
  ۵. الاسفار الاربعه، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، ج ۷/۱۳۶ .
  ۶. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۳۱/۲۸۹ .
  ۷. تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف حلی، ج ۲/۲۲۳ .
  ۸. سوره نساء، آیه ۳۴ .
  ۹. رساله بدیعه، محمد حسین حسینی طهرانی، / ۱۵۱۴ .
  ۱۰. تذکره الفقهاء، ج ۲/۵۷۳ .
  ۱۱. افایده و لزوم دین، استاد محمد تقی شریعتی / ۱۷۵۱۷۴ به نقل از نواندیشی دینی و مسأله زن / ۹۳ .

